

چرا دولت سرعت قطار پیشرفتش زیاد است اما مردم متوجه این سرعت نمی شوند؟

برای فهم این تفاوت فرضیه‌ای دارم و معتقدم که به احتمال زیاد طرفین دو رویکرد خُرد و کلان دارند. در رویکرد خُرد، قطعا موفقیت‌ها و پیشرفت‌هایی وجود دارد که معمولا هم همان‌ها را دیده و شکست‌ها و ناکامی‌ها نادیده گرفته یا توجیه می‌شوند.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در روزنامه اعتماد با اشاره به تکرار زیاد گزاره سرعت زیاد «قطار پیشرفت» نوشت: از دو حال خارج نیست، یا با هدف تبلیغات و باوراندن مردم به امری خیالی و غیر واقعی است که در این صورت، اثرات آن معکوس خواهد بود و موجب عصبانیت مردم می‌شود و من گمان نمی‌کنم که هیچ عقل سلیمی این شیوه را برای تبلیغ خود انتخاب کند. یا اینکه واقعا گویندگانش به این گزاره معتقدند و با تمام وجود آن را حس می‌کنند که در این صورت باید به وجود دو جهان موازی یا دو نوع ساختار ذهنی و عصبی میان آنان و دیگران اذعان کرد که گفت‌وگو و مفاهمه درباره واقعیت را میان دو طرف اگر نگوئیم سخت، غیرممکن می‌کند.

اگر این حالت درست باشد، ما نمی‌دانیم که آنان چه چیزهایی را می‌بینند که ما نمی‌بینیم و بر عکس. برای فهم این تفاوت فرضیه‌ای دارم و معتقدم که به احتمال زیاد طرفین دو رویکرد خُرد و کلان دارند. در رویکرد خُرد، قطعا موفقیت‌هایی وجود دارد که معمولا هم همان‌ها را دیده و شکست‌ها و ناکامی‌ها نادیده گرفته یا توجیه می‌شوند.

همچنین در سطح خُرد همه جوانب کار دیده نمی‌شود. مثلا ممکن است اختراعی صورت گیرد، یا کشفی رخ دهد، ولی تا رسیدن به تولید و بازار و تبدیل به ارزش افزوده راه درازی در پیش است که چه بسا اغلب آنها در همین مرحله متوقف شوند یا با هزینه‌های بسیار سنگین و غیر اقتصادی به مرحله تولید برسند. یا مثلا در جایی بتوانند تحریم را دور بزنند! یا کالای مهمی را وارد کنند و امثال اینها را پیشرفت بدانند. این رویکرد و نگاه زیان‌بار است. زیرا جزیی‌نگر و مهم‌تر از آن گزینشی است، نه فقط در اقتصاد و فناوری بلکه در امور اجتماعی و فرهنگی هم می‌توان این رویکرد را دید. مثلا می‌بینند یک نفر مقیدتر به مذهب شده، در فلان جا معتکف شده‌اند، یک نفر آرزوی شهادت کرده و یک خانواده با فقر زندگی کرده ولی مفتخر است که ۶ فرزند آورده و... به سادگی از این جزییات، نتایج کلی می‌گیرند.

هر چه بخواهید از این مثال‌های جزیی‌نگر فراوان است. ولی رویکرد کلان‌نگر به ویژه تطبیقی متفاوت است. ممکن است رویکرد کلان داشته باشیم و نقاط مثبتی را هم در کلان پدیده ببینیم، ولی وضعیت خود را با جوامع دیگر مقایسه نکنیم و متوجه نشویم که شاید قطار پیشرفت دیگران جلوتر رفته، چون سرعت آن بیشتر است و این موجب عقب‌ماندگی ما می‌شود. رویکرد کلان در موضوع اقتصاد فقط به چند متغیر اصلی می‌پردازد. رشد اقتصادی، تورم، نرخ اشتغال، سرمایه‌گذاری، ضریب جینی و خط فقر و... اینها متغیرهای اصلی برای داوری نسبت به وضعیت اقتصادی کشور است، موضوعات جزیی، خوب باشند یا بد، اثرات خود را سرجمع در این متغیرها نشان خواهند داد. اگر از این زاویه به آنچه در سال ۱۴۰۱ گذشته نگاه شود، جز اندکی رشد اقتصادی کمتر از ۳ درصد نکته امیدبخشی دیده نمی‌شود.

البته چرا می‌گویم اندک، زیرا پس از یک دهه توقف نسبی در رشد اقتصادی، ظرفیت‌های کنونی اقتصاد ایران هنوز خیلی بالاتر از سطح تولید کنونی کشور است و حتی برای رشدهای خیلی بالاتر هم نیازی به سرمایه‌گذاری جدید نیست، نه اینکه سرمایه‌گذاری نشود، بلکه هنوز ظرفیت‌های خالی مانده بسیار بالاست و این رشد اندک هم محصول افزایش فروش و قیمت نفت است. اگر از این مورد بگذریم، وضعیت تورم، سرمایه‌گذاری، نابرابری و خط فقر و اشتغال ناامیدکننده است. به علاوه و مهم‌تر اینکه به علی شاید سال آینده از همین رشد ۳ درصدی هم خبری نباشد و برخی پیش‌بینی‌های مراکز معتبر، این رشد را خیلی کمتر، حتی نزدیک به صفر ارزیابی می‌کنند. از این رو انتظار می‌رود که دولت محترم هم‌زمان دو اقدام را در دستور کار خود قرار دهد. اول و مهم‌تر از هر گام دیگری حل مساله سیاست خارجی و برجام است. بدون این گام هیچ اتفاق چشمگیری رخ نخواهد داد. آثار اقدام کوچک‌تر یعنی توافق با عربستان را به خوبی دیدید. گام دوم که به نحوی با گام اول مربوط است، تجدید نظر کلی در مدیریت و سیاست‌های اقتصادی و خروج از چرخه مدیران ضعیف و سیاست‌های اقتضایی است. اینها حداقل گام‌هایی است که باید برداشته شود. اگر برداشته شود.